



لحظه‌های قنوت

طلب عرفان الهی

والحقتی بنور عزک الایهچ فاکون لک عارفا و عن سواک متحرفا

خدایا! مرا به نور عزت ملحق کن که بهجت‌انگیزترین است، تا اینکه عارف تو گردم، و از غیر تو منصرف شوم.^(۱)

۱- مناجات شعبانیه

امام مهدی (ع) در کلام نبی اکرم (ص)

امام مهدی(ع) در کلام نبی اکرم(ص)

آنگاه که گرد آمدگان در غدیر خم، چشم بر دهان محمد مصطفی(ص) دوختند تا در جمع یکصدوویست هزار نفری خود، سخنانش را بشنوند. نبی اکرم(ص) پس از حمد و ثنای خداوند و دعوت مردم به سوی خاندان گرامی نبوت و جنگ زدن به ریمان ولایت علی- بن ابیطالب(ع) فرمودند:
(۱)

ای مردم!

آن نصور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفت و پس از آن در وجود علی(ع)، آنگاه از او در نسلسل تا «قائم‌المهدی(ع)» که بازگیرنده حق است و جلب‌کننده همه حقوق از دست رفته ما.

آگاه باشید که خاتم ادیان پیروز می‌شود
آگاه باشید که او انتقامگیر از ستمگران است.
آگاه باشید که گشاینده و درهم کوبنده مرزهاست.
آگاه باشید که او خونخواه همه بندگان صالح خداست.
آگاه باشید که او کشنده هر قبیله‌ای از مشرکان است.
آگاه باشید که او نه‌ری خروشان از اقبانوسی بیکران است.

آگاه باشید که او یاور دین خدای تبارک و تعالی است.
آگاه باشید که او در هانشمندی را به دانش و هر نادانی را به نادانی می‌شناسد.

آگاه باشید که او برگزیده و انتخاب شده، خداوند است.
آگاه باشید که او وارث هر دانش و دربرگیرنده آن است.
آگاه باشید که او آنچه بگوید از پروردگارش می‌گوید و همداردهنده به امر ایمان است.

آگاه باشید که او رشید و کامل و نیرومند و متین است.
آگاه باشید که فرمانروایی جهان هستی به او واگذار شده است.

آگاه باشید که هر کس از (پیامبران و امامان) پیش از او، نوید آمدنش را داده‌اند.

آگاه باشید که او تنها حجت بازمانده خداوند است، بعد از او حجتی نیست، حقی جز با او و نوری جز در پیش او نیست.

آگاه باشید که احدی بر او چیره نیست و کسی او را شکست ندهد.

آگاه باشید که او ولی خدا در روی زمین و داور او در میان مردم و امین او در آشکار و نهان است.

* مرکز دانش پژوهان شاهد

(۱)بحارالانوار، ج ۲۷، صص ۲۱۳-۲۱۱.



شکر نعمت تنها راه بقای نعمت

رَوَى عَنْ عَلِيٍّ اِبْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: يَا عَلِيُّ! احْسِبُوا جِوَارَ النِّعَمِ فَاتَّهَا وَحَسِبِيَّةٌ وَ مَا تَأْت عَنْ قَوْمٍ فَعَادَاتِ الْيَوْمِ!^(۱)

علی بن شعبی می گوید: بر ایی الحسن الرضا(ع) وارد شدم. حضرت به من فرمودند:

ای علی! مصاحبت نسبت به نعمت‌ها را نیکو بدارید، چون نعمت‌ها وحشی هستند و فرامی می‌کنند و این طور نیست که هر نعمتی اگر از دست قومی رفت، به سوی آنان برگردد.

انسان قدر نعمت‌های الهی را بلداند، زیرا همیشه در دست او نیست، بلکه مانند حیوانات وحشی یک مرتبه فرار کرده و از دست او می رود. معلوم نیست که اگر نعمت‌ها از دست انسان فرار کرد، دوباره آن را به چنگ می آورد یا نه؟ اگر هم بتواند به چنگ آورد، با زحمت و مشقت فراوان است. حالا صحبت در این است که انسان برای باقی ماندن نعمت‌های الهی در دست خودش و جلوگیری افزایش نعمت‌ها یعنی بقا و ازدیاد نعمت‌های الهی چه بکند؟ هر دو آنها ریشه در یک چیز دارد و آن هم شکر نعمت است.

حضرت امام رضا(ع) فرمودند: نیکو بشمارید. چگونه؟ شکر نعمت را به جا آوردید و الاّ آن نعمت‌ها از دست فرار می کند. پس نه قابل نوبدی که این نعمت‌ها را به تو بدهیم، زیرا بقا و ازدیاد نعمت، بستگی به شکر دارد.

شکر هم برسه قسم است: قلبی، لفظی و عملی. قلبی: یعنی بفهمی خدا به تو نعمت را داده است. لفظی: ستایش و حمد الهی را به جا آوری و عملی: در راه رضای خداوند مصرف کنی نه در راه حرام. یعنی از علم و مال و مقام و... به حدّ توان و استطاعت خود در راه خدمت به بندگان خداوند استفاده کنیم. خداوند در قرآن می فرماید: «لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ»^(۱) اگر شکر کنید، برنعمت‌های شما می افزایم و اگر کفران کنید به عذاب شدید گرفتار می کنم.

۱۱| بحار الانوار، جلد ۷۵، صفحه ۳۴۱

۱۲|سوره ابراهیم، آیه ۷

* پایگاه اطلاع رسانی آیت الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)

آخرالزمان یک اصطلاح قرآنی نیست ولی به کرات در ادبیات اسلامی به کار رفته و در سنت اسلامی واژه و اصطلاحی جاافتاده و شناخته‌است. البته این بدان معنا نیست‌که در قرآن به مفهوم آن توجه نشده است؛ چرا که در قرآن اصطلاحاتی چون **اشراط الساعة**، **آخرین**، **مستأخرین** و مانند آن به کار رفته که همین مفهوم اصطلاحی آخرالزمان را بازتاب میدهد. در آیاتی از قرآن سیاق به گونه‌ای است که به مسئله آخرالزمان اشاره دارد و مثلا از وراثت صالحان و حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا به عنوان فرجام نهایی زندگی بشر در زمین سخن به میان آمده است. نویسنده در این مطلب با مراجعه به **آموزه‌های وحیانی قرآن** و روایات معتبر تفسیری و غیر تفسیری، نگرش قرآن به آخرالزمان را تبیین کرده که چگونه **حکومت عدالت‌محور صالحان در آخرالزمان** به عنوان یک سنت الهی و فلسفه تاریخ بشری به انسان وعده داده شده است.

در آخرالزمان خواهد بود.
۳. خروج دابله‌الارض: خداوند در آیه ۸۹ سوره نمل بیان می‌کند که پیش از قیامت سجننده‌ای از زمین بیرون خواهد آمد که با مردمان سخن می‌گوید. خداوند در آیه ۵۲ سوره سجده بیان می‌کند که پیش از قیامت ما آیات اعجازی خود را در آفاق و انفس به آنان نشان خواهیم داد. در روایات تفسیری است که مراد از آن جنبنده، رجعت امیرمؤمنان علی(ع) است که حقیقت را آشکار خواهد کرد و با مردم سخن گفته و اتمام حجت می‌کند. در تفسیر مجمع‌البیان آمده که از امیر مؤمنان علی(ع) پرسیدند که منظور از این موجود شگفت‌انگیز چیست؟ آن بزرگوار فرمود: به خدا سوگند که آن جنبنده زمین دم ندارد و ریشی انبوه دارد. از اینجا فهمیده می‌شود که آن جنبنده انسانی است. همچنین از امیر مؤمنان علی(ع) آورده‌اند که فرمود: انه صاحب‌العصا والمیسیب؛ آن موجود شگفت‌انگیز دارای عصا و پارواهن است.
۴. خروج سفیانی: خروج سفیانی و گرفتاری او و لشکریانش به عذاب

زمان(عج) و سپس جانشینی شیعیان در آخرالزمان در آیه ۵۵ سوره نور بیان شده است. از امام سجاد(ع) روایت شده که ایشان در پی تلاوت آیه «وعدالله الذین آمنوا...» فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما- که مهدی(عج) این امت باشد- آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...«(نورالقلین، ذیل آیه)
۹. پایان تاریخ با حکومت صالحان: کتب آسمانی از جمله زبور داود(ع) به مسئله آخرالزمان اشاره داشته و با نگاهی مثبت به وضعیت آن زمان می‌نگرد و وعده می‌دهد که در آخر زمان حکومت عدالت محور صالحان برپا خواهد شد و پس از ایشان دیگر حکومتی ناصالح روی کار نخواهد آمد؛ چرا که وقتی سخن از وراثت است به این معناست که آنان صاحب اختیار زمین و حکومت آن خواهند بود و کسی پس از ایشان وارث نخواهد شد. (انبیاء، آیات ۱۰۵ و ۱۰۶) پس اگر بخواهیم برای دنیا پایان تاریخی بنویسیم و براساس فلسفه تاریخ جبری برای سرنوشته انسان و حاکمیت در دنیا بیان کنیم باید گفت که پایان تاریخ با حکومت صالحان

آخرالزمان، زمان حکومت عدالت‌محور صالحان

*** محمدرضا ستوده**



خبرلکمان کتّمہ یومنین

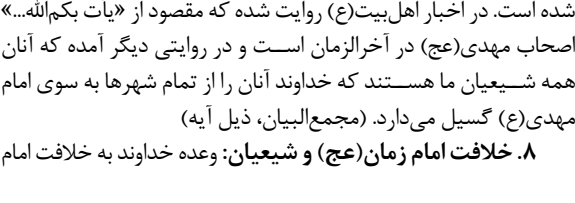
خبرلکمان کتّمہ یومنین

الهی از جمله نشانه‌های آخرالزمان است که در آیه ۵۱ سوره سبا به آن اشاره شده است. هر چند که برخی این آیه را مربوط به قیامت و پس از نغخ دوم صور می‌دانند ولی با توجه به قرینه «وحیل بنهم و بین ما بشتهون کما فعل باشیاعهم»، آیه فوق بیانگر حالت دنیای آنان است؛ زیرا براساس آیات قرآنی در قیامت همه یک جا برای حسابرسی جمع می‌شوند؛ در حالی که در این آیه تنها از حشر گروهی سخن به میان آمده است. پس این واقعه درباره دنیا و هنگام قبض روح با عذاب الهی آن در دنیاست. همچنین آیه ۱۰۲ هود و ۵۰ واقعه روشنگر همین معناست. در روایات بسیاری از شیعه و اهل سنت این افراد با عنوان سفیانی و پیروان او یاد می‌شوند. (مجمع‌البیان، ذیل آیه الدر المنثور، ذیل آیه: جامع‌البیان، ذیل آیه)
۵. رجعت بهترین‌ها و بدترین‌ها: همان گونه که خوبان امت چون امیرمؤمنان علی(ع) در آخرالزمان بازمی‌گردد تا حجت تمام کند، همچنین اراده الهی بر بازگرداندن دست‌های از کافران هر امت به دنیا، در آخرالزمان تعلق گرفته که در آیه ۸۳ سوره نمل به آن اشاره شده است. اما دلالت آیه یاد شده بر رجعت از آن جهت است که مسئله نغخ صور در

آخرالزمان آسایش و امنیت موج می‌زند و از همین رو خداوند در

خداوند به صراحت به عنوان یک سنت الهی به بشر وعده می‌دهد که فرجام نهایی بشریت آن است که صالحان به حکومت برسند و به عنوان وارث، قدرت را در دست گرفته و فرآیند کمال بخشی را تکمیل کنند.

آیات بعدی مطرح شده و این قرینه‌ای است بر اینکه مقصود از این حشر، حشر روز قیامت نیست؛ بلکه حشری است که در دنیا صورت می‌گیرد و با خروج «دابه الارض» ارتباط دارد. افزون بر این، در قیامت همه کافران بدون استثنا محشور می‌شوند؛ ولی حشر در این آیه به دسته‌ای از کافران بر امت مربوط می‌شود. این قرینه دیگری است بر اینکه مقصود از حشر در این جا «رجعت» پیش از قیامت است. (مجمع‌البیان، ذیل آیه)
۶. نزول عیسی(ع) به زمین: از جمله نشانه‌های آخرالزمان باید به نزول عیسی(ع) در آخرالزمان و ایمان آوردن اهل کتاب به او پیش از وفاتش اشاره کرد. خداوند در آیه ۱۵۹ سوره نساء از این مسئله سخن گفته است؛ البته برداشت فوق بر این اساس است که مرجع ضمیر «به» عیسی(ع) است چنان که آیات سابق نیز درباره عیسی(ع) است. (مجمع‌البیان، ذیل آیه) همچنین در تفسیر میزان در ذیل آیات ۵۷ تا ۶۱ زخرف آمده که بازگشت و نزول حضرت عیسی(ع) در این آیات نیز مورد تأکید است؛ چرا که مرجع ضمیر «لنه» از آخرالزمان است. (المیزان، ذیل آیه)
۷. اجتماع شیعیان بر دور امام‌الزمان(عج): گروه امیر آوردن اصحاب مهدی موعود(ع) و شیعیان از سوی خداوند، هنگام ظهور او از جمله نشانه‌های آخرالزمان است که در آیه ۱۴۸ سوره بقره به آن اشاره شده است. در اخبار اهل‌بیت(ع) روایت شده که مقصود از «آیات بکم‌الله...» اصحاب مهدی(عج) در آخرالزمان است و در روایتی دیگر آمده که آنان همه شیعیان ما هستند که خداوند آنان را از تمام شهرها به سوی امام مهدی(ع) گسیل می‌دارد. (مجمع‌البیان، ذیل آیه)
۸. خلافت امام زمان(عج) و شیعیان: وعده خداوند به خلافت امام



سبک زندگی اسلامی

تکریم شخصیت افراد و احترام متقابل

است. سلمان فارسی نقل می‌کند: نزد پیامبر اسلام(ص) رفتم و او به پستی نیکه داده بود، پستی را من ناد سپس گفتم: «ای سلمان هیچ مسلمانی نزد برادر خود نمی‌رود که به احترام وی برایش پستی بگذارد مگر این که خداوند او را از ما فرمزد» (مکارم الاخلاق، ص ۲۰). در این روایت جای توجه و تامل است که مصداقی به این کوچکی موجب غفران الهی است و این امر به خاطر ضرورت حفظ شأن انسان در جامعه که مورد رضای خداست توصیه شده است.

همچنین حفظ احترام افراد در هر سطحی با ظرفیت‌های خاصی نیز همراه است که باید به آن توجه شود. ابوبصیر نقل می‌کند: «همه اهل باقر(ع) گفتم مردی(فقیر) از دوستان ما خجالت می‌کشد مال زکات بگیرد. می‌توانم از مال زکات به او بدهم و به او نگویم زکات است؟ امام فرمودند: «بده و نگو زکات است و مؤمن را خوار نکن»(الحیات ج ۹ ص ۵۸۵ تحفالعقول ۳۱۲). و این از جمله آن نکات ظریف در حفظ شأن انسانی است که مردم به حجت از عملی صواب در این جا مطرح است ولیکن امام(ع) باین نکته که «او را خوار نکن» به ابوبصیر توجه می‌دهد که حتی در عمل خیری مانند پرداخت

معارف

Maaref@Kayhannews.ir

صفحه ۶

یک شنبه ۲ تیر ۱۳۹۲

۱۴ شعبان ۱۴۳۴ – شماره ۲۵۵۴



چراغ راه

رمز سربازی امام زمان(عج)

قال الصادق(ع): لا یثبت علی امامته الا من قوی بقیته و صحت معرفته

امام صادق(ع): فرمود: بر امامت و فرج حضرت صاحب‌الزمان (عج) ثابت و پایدار نمی‌ماند مگر کسی که ایمانش قوی و استوار و معرفتش صحیح و کامل باشد.^(۱)

۱- آثار الصادقین، ج ۲۹، ص ۲۰۷



حکایت خوبان

حتمیت ظهور حجت خدا

ابن عباس نقل کرده است که رسول خدا(ص) فرمود: پس از من خلفا و اوصیا و حجت‌های الهی دوازده نفرند که اول آنان برادرم و آخرین ایشان فرزند من است.

عرض کردند: ای رسول خدا، برادر شما کیست؟ فرمود: علی بن ابی‌طالب(ع)

گفتند: فرزند شما کیست؟ فرمود: مهدی صاحب‌الزمان(عج) کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

و سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری مبعوث فرمود، اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی کند تا فرزندم حضرت مهدی صاحب‌الزمان(عج) در آن روز ظهور نماید و روح‌الله عیسی‌بن‌مریم فرود آید و پشت سر آن حضرت نماز خواند و زمین به نور پروردگارش درخشان گردد و حکومتش به شرق و غرب عالم رسد.^(۱)

۱- کمال‌الدین، باب ۲۴، ح ۲۷



پرسش و پاسخ

دلیل سستی و کسالت در دین

پرسش:
اینکه برخی از افراد در امور دینی و عمل به آموزه‌های وحیانی سستی و کسالت دارند چیست؟

پاسخ:

یکی از مهم‌ترین دلایل کسالت و بی‌رغبتی نسبت به آموزه‌های دینی و عمل نکردن به تکالیف و واجبات دین فقدان تفکر و اندیشیدن است. اکثر ما اهل تفکر و اندیشیدن درباره خودمان نیستیم. آنها که در مسیر عقل حرکت می‌کنند و اهل سیر و سلوک به سوی الله هستند یک قسمت از ساعات شبانه‌روز خود را به تفکر و اندیشیدن اختصاص می‌دهند درباره گذشته و آینده عمرشان می‌اندیشند و آن را با موازین دین و شرعت می‌سنجند و این راقلبت عبادت می‌شمارند؛ فرموده‌اند: «عبادت آن نیست که انسان نماز و روزه زیاد انجام بدهد، بلکه عبادت تفکر زیاد در مورد خداوند بلندمرتبه است» (کافی، ج ۲، ص ۵۵)

البته تفکر در ذات اقدس الهی ممکن نیست و متطقه ممنوعه است. اما در آثار صنع او و بی بردن به احکام و دستورات او به منظور عمل کردن بر طبق آنها مورد تأکید است. علی(ع) در این رابطه می‌فرماید «بینه بالتفکر لاندخت نیروی شرف عقل است و اندیشیدن در اینکه راستی من که هستم؟ و از کجا آمده‌ام؟ آورنده من که بسوده و برای چه مرا آورده و کجا خواهد برد؟ در گذشته عمر چه کرده‌ام و در آینده عمر چه خواهم کرد؟ ولی متأسفانه ما عادت به تفکر نکردیم، اگر ساعتی هم فراغت فکری پیدا کنیم، وحشت‌زده می‌شویم و می‌خواهیم خود را به کاری مشغول کنیم. در حالی که در روایات آمده است: «تفکر ساعه خیر من عباده سنه» ساعتی یعنی برهه اندکی از زمان؛ اندیشیدن برتر از عبادت یک سال است. (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۷) شاید در بعضی روایات به جای (عباده سنه) کلمه (عباده ساعتی سنه) آمده، یعنی برتر از عبادت هفتاد سال است. (ع) در این رابطه می‌فرماید:تعلموا کتاب الله ... و تفقهوا فیه» ای بندگان خدا! کتاب خدا را بیاموزید... و در آن بیندیشید. دنباله حدیث می‌فرماید:«و اذا هدیتم لعلمه فاعملوا بما علمتم منه لعلمکم لتفحون» اگر راستی شما خواهان فلاح و رستگاری هستید به آنچه که در قرآن فرا گرفته و هدایت شدید، عمل کنید. (تحف العقول، ص ۱۰۵) بنابراین کسانی که ای ندخل به آموزه‌های دینی سستی و کسالت دارند یکی از مهم‌ترین دلایل آن پشتوانه معرفتی و شناخت است که با عدم تفکر و بیندیشیدن در اوامر و نواهی دین شناخت ج ۷۱، ص ۳۲۷) شاید در بعضی روایات به جای (عباده سنه) کلمه (عباده ساعتی سنه) آمده، یعنی برتر از عبادت هفتاد سال است. (ع) در این رابطه می‌فرماید:تعلموا کتاب الله ... و تفقهوا فیه» ای بندگان خدا! کتاب خدا را بیاموزید... و در آن بیندیشید. دنباله حدیث می‌فرماید:«و اذا هدیتم لعلمه فاعملوا بما علمتم منه لعلمکم لتفحون» اگر راستی شما خواهان فلاح و رستگاری هستید به آنچه که در قرآن فرا گرفته و هدایت شدید، عمل کنید. (تحف العقول، ص ۱۰۵) بنابراین کسانی که ای ندخل به آموزه‌های دینی سستی و کسالت دارند یکی از مهم‌ترین دلایل آن پشتوانه معرفتی و شناخت است که با عدم تفکر و بیندیشیدن در اوامر و نواهی دین شناخت

ج ۷۱، ص ۳۲۷) شاید در بعضی روایات به جای (عباده سنه) کلمه (عباده ساعتی سنه) آمده، یعنی برتر از عبادت هفتاد سال است. (ع) در این رابطه می‌فرماید:تعلموا کتاب الله ... و تفقهوا فیه» ای بندگان خدا! کتاب خدا را بیاموزید... و در آن بیندیشید. دنباله حدیث می‌فرماید:«و اذا هدیتم لعلمه فاعملوا بما علمتم منه لعلمکم لتفحون» اگر راستی شما خواهان فلاح و رستگاری هستید به آنچه که در قرآن فرا گرفته و هدایت شدید، عمل کنید. (تحف العقول، ص ۱۰۵) بنابراین کسانی که ای ندخل به آموزه‌های دینی سستی و کسالت دارند یکی از مهم‌ترین دلایل آن پشتوانه معرفتی و شناخت است که با عدم تفکر و بیندیشیدن در اوامر و نواهی دین شناخت

سلوک عارفانه

تفاوت اسلام ظاهری با ایمان

(بدان ای سالدک عزیز!) اسلام حقیقی این است که چهره دل انسان، متوجه خدا و تسلیم او باشد.

بسه این معنا که نسبت به آنچه‌که از مقام ربوبی برای انبای بشر- صادر می‌شود، تسلیم باشد و این یک امر درونی است. در آیه شریفه‌ای می‌فرماید: «من احسن دینمن اسلم وجهه»که هر کسی در دین‌داری بهتر از آن کسی است که چهره خودش و دلش را تسلیم خدا کرده است؟! (ال عمران-۱۱۹) در این آیه شریفه تعبیر «دین» را می‌آورد که دین در نزد خدا فقط «اسلام» است ... در آیه ۸۴ال عمران نیز تمام شراعی را یکی می‌داند. پس دین یک چیز است و یک حقیقت بیشتر نیست، فقط شرایع برحسب تکامل آنها تکامل پیدا می‌کند. لذا می‌فرماید: «لا تفرقوا بین احد منهم و نحن له مسلمون» یعنی دین، یک دین است و آن هم اسلام است. ایمان یک حقیقت درونی است و آن تعلق قلبی و دل دادن به دین است... آیه ۱۴ سوره انعام هم اسلام را به عنوان دین مطرح می‌کند.

از سوی دیگر در آیات سوره حجرات، صلوات دارد که اسلام با ایمان فرق می‌کند (حجرات ۱۴)- تکوید ایمان آوردیم، بلکه بگوید اسلام آوردیم. چون ایمان در دل شما جایگزین نشده است. یعنی اینجا بین اسلام و ایمان جداسازی می‌کند. پس معلوم می‌شود این اسلام غیر از آن اسلامی است که دربردارش فرمود: «مسلم وجهه» چون آن اسلام همان ایمان بود ولی این اسلام غیر از ایمان است ... در آیه ۱۷ سوره حجرات در ابتدا بحث اسلام را مطرح می‌کند و می‌فرماید «فل لتؤمنوا علیّ اسلامکم» اما بعد می‌گوید خدا شما را به ایمان هدایت کرد. این عبارت بر طبق سیاق آیه نیست لذا معلوم می‌شود این اسلامی که در ابتدای آیه آمده غیر ایمان است. با استفاده از این مطلب، اسلام هست که ایمان نیست، و کسانی را داریم که مسلمان هستند ولی دین ندارند، در ارتباط با همین اسلام است. مسلمانان است ولی مومن نیستند؛ فراوان داریم کسانی را که مسلمان هستند ولی دین ندارند. یعنی اسلامشان اسلام ظاهری است نه اسلام حقیقی که مراد با ایمان است.^(۱)

۱- سلوک عاشورایی، منزل چهارم، آیه الله شیخ مجتبی تهرانی، ص ۵۳